





بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

[illegible]



فرمودند که این عدد هزار و پانصد است و این

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

عدد هشتاد و یک است و این عدد هشتاد و یک

لایزال و باطن در کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

در کجاست و کجاست و کجاست

فرمان حضرت سرشتی که در کتب است و در کتب است

در باب هر چه ام اولی در باب علم دوم در باب علم سوم در باب

عشق چهارم در باب علم پنجم در باب معرفت ششم در باب علم

هفتم در باب علم هشتم در باب علم نهم در باب علم دهم در باب علم

یازدهم در باب علم بیستم در باب علم سی و دوم در باب علم

سی و سوم در باب علم سی و چهارم در باب علم سی و پنجم در باب علم

سی و ششم در باب علم سی و هفتم در باب علم سی و هشتم در باب علم

سی و نهم در باب علم سی و دهم در باب علم سی و یازدهم در باب علم

سی و دوازدهم در باب علم سی و سیزدهم در باب علم سی و چهاردهم در باب علم

چکبید نه تخم نه داسیخ از این چکبید بزرگ است و بزرگ

هزار و ده گنج یا هزاران آفریده می شود و در آن

دستبرده می رسد و در آن گنج است که قطره نورانی

از نرق چکبید از آن نور می تابان آفریده شود و در آن

نورین از چشم بر دست چکبید از آن چهره می تابان

آفریده می شود و در آن قطره نورین از چشم چکبید

از آن بر سر آفرین و در آن آفریده می شود و در آن

نورین از گوش راست چکبید از آن قطره نورین از گوش

و در آن قطره نورین از گوش چکبید از آن قطره نورین

از خوش چوب بکشد از آن قطره اول لوح و در قطره

دوم علم آفریده شد و هفت قطره نور من از طریقه

راست بکشد از آن هفت هفت آفریده شد و هفت

قطره در زن از طریقه چپ بکشد از آن هفت و هفت

آفریده شد و از قطره هشتم شیطان آفریده شد و هفت

و هفت قطره نور من از رخساره راست بکشد از آن

هفت آسمان آفریده شد و هفت قطره نور من از

رخساره چپ بکشد از آن هفت صفت زمین آفریده

شد و در قطره نهم از چپین بکشد از قطره او از

و در قطره دوم ماه تابستان به سکه و چهار قطره و در

اردیبهشت و خرداد و تیر و مرداد و شهریور و مهر و آبان و آذر و دی و بهمن و اسفند

و در قطره نهم از دشت راسته یک قطره از قطره

اول و در هر دو از قطره دوم با درخت ریش و درخت

سند و در هر دو از قطره چهارم بر قی و از قطره پنجم صند

اسرافیل و از قطره ششم جودان و از قطره هفتم خا

و از قطره هشتم درخت طوبی و از قطره نهم درخت

الجهنمی و از قطره دهم درخت میوه دار و در قطره

یازدهم از دشت چپ یک قطره از قطره اول و در

و از قطره دوم در آب شکر و از قطره سیم در آب  
شیر و از قطره چهارم در آب گشنیز و از قطره پنجم در آب  
در دانه است و از قطره ششم در آب و از قطره هفتم در آب  
آب روان شود و از قطره هشتم در آب و از قطره نهم در آب  
کوه کون و از قطره دهم در آب و از قطره یازدهم در آب  
نامی نیست و از قطره دهم در آب و از قطره یازدهم در آب  
و در قطره نهم از آب گشنیز و از قطره دهم در آب  
و از قطره دوم در آب و از قطره سیم در آب و از قطره  
چهارم در آب و از قطره پنجم در آب و از قطره ششم در آب

و در قطره پنجم کوسه شد و در ششتم قطره

هفتاد و یک بار است و در هشتاد و یک بار

نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین

و در نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین

قطره و در نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین

سپیده و در نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین

عازقان و در نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین

و در نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین

قطره و در نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین

قطره و در نهمین و در نهمین و در نهمین و در نهمین



نهم صابون و از قطره دهم کافور و از قطره سیزده  
قطره نورس از زبان مبارک بکشد از قطره اول  
نهم بختان و از قطره دهم قاشق و از قطره سیزده  
صابون و از قطره چهارم راضیان و از قطره نهم  
ساق و قان و از قطره ششم متوکلان و از قطره نهم  
مخلصان و از قطره هفتم مصفیان و از قطره نهم  
ذکران و از قطره دهم شکران و ده قطره نورس  
از دهانی مبارک بکشد از قطره اوای شکر و از قطره  
دوم شکر و از قطره سیزده عنبر بخت و از قطره

مقدم خبر داد از قطره چشم که در راه غلظت

یا قوت و از قطره چشم مرمان و از قطره چشم

و از قطره چشم مرمان و از قطره چشم مرمان

فرید پند فریدان حضرت و در رسید غیر که با علم گفت

علی ما هو طایف الخیر المومنین و اما و بعد نما

باز علم را زمان شده که با علم گفت لا اله الا الله

بموضع ردین شده و هفتاد هزار سال این یکصد و شصت

بشد با آن زمان شد که با علم گفت علم حوسن کرد و با

حضرت خیر پند رسید که در آن شده که محمد رسول الله

چون نام محمد شکر از بیست و هشتی است و اسیر محمد

نما و نام نور سال و محمد و مانند بعد از آن فرمان در

رسید که با نام بر بردار قلم هر برداشت حکم شده

که کتب یا قلم قلم نوشت یا رب العالمین این چه نام است

که تیرا بر نام خود و بر همه او کردی حضرت خدا عزه جل

و بود که ای قلم اگر نام محمد نبود می برفت طبق زبانی

و جفت آسمان و عرض و کرسی و بیع و قلم نیاید کردی

ای قلم اگر نام محمد نبود حق خدا بی خود را از قلم کردی

و کلام قلم بر لوح روان است و بافت دهر و بهال کلام

چون که بگویم که این کتاب را در میان

تمام کتب نوشته شده از زمان مشرکین و کفار

که در این نام را قلم گرفته اند هیچ یک با او

چون نور محمد در وجود خود جواب نداده و بزرگوار

بگویم دوستی نام خدا می خواهد و پس هر

کس که در کتاب اسلام خدا را برین طریقه زیاده

گوید گفت رفته اند و بر خانه و بزرگانی آن

را نه بود و درازی غرضها نقد کرده بود بعد

با بار خدا و هر که چندین مرتبه از این

بیدار شد که از خواب بیدار شد و از خواب بیدار شد

از آن بعد از آن که از خواب بیدار شد و از خواب بیدار شد

و خاک بعد از آن که از خواب بیدار شد و از خواب بیدار شد

نوحه در خیز آفریدم این دیار را و در میان و از خواب بیدار شد

چون از اختیار میکنی که بغیری از آشکارا کنم پسند

من روان شد برات رفته است دارد که کبر و از خواب بیدار شد

کرده از من گفت السلام علیک ایها الساکین

علیک السلام تو هستی نور من گفت که کی میبندی

و کی میبندی من گفتم ایها الساکین تو میبندی

و این کتاب را در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

در شهر تبریز در روز جمعه

و حدیث است که هر که نور من از آنجا برآید

و برآوردنش دید که در کبر و عصبانیت گرده میرود

نور من گفت السلام علیک ای باد ما و جواب از

داد علیک السلام تو گفستی نور من گفت کی بنده

خدای نوری و بانی بنده خدا منم نور من گفت نه می

تو چه کار میکنی باد گفت آنچه مرا خدمت نور من گفت

بنده را خود با مرا و کاری نیست بجز که در خودم

عیب داری باد گفت ای نور محمد چه عیب دارم

نور من گفت تو بنده گریه پایی و روی تو کس نه

بنده و گفت ای در محمد کز پی عیسی در کن

استغفر بنده پر تحسین است بی عیب خدا عز و

جلالت نذر من گفت بگو که وحده لا شریک له

و الله اعلم ان محمدا عبده و من سواه و بنده

کلمه گفت و مسلمان شد و خدمت بندگی بنور کرد

نور من از انجی روان شد بر آتش رفت آتش

در کبر و عظیم کرده میریزد و نور من گفت

السلام علیک ای آتش آتش گفت تو گفتی نور

من گفت کجی بنده خدای قوی و کجی بنده خدا منم



نور من وک ای انشئی نور محمد کار منقش کنش کشت  
انچه مراد نیست نور من کشت عبده را خود و یا مراد  
کار من نیست بجز که نور خود هم عیب دار و انش  
گفت ای نور محمد عیب دارم نور من گفت کشته  
تو آب هست و قوت تو باد است انش گفت ای  
نور محمد مگر تو بی عیبی نور من گفت استغفر الله عبده  
پر عیب است ولی عیب خود نسبت عیوب من نور  
من گفت بگو که عیبه که لا شریک له و اشهد  
ان محمدا عبده و رسول الله انش نیز گفت

بعد از رفتن دولت به دست خودی که در این دنیا

نیز من به این دست نشود خاک رفت و خاک را و پدرم

چون که عفتب ندارد و تو می گوئی که است سلام علیکم

ای خاک خاک گفت علیک سلام ای نور خدا

خوشش آید می نور من نور انجا بنشیند و کائنات ای

خاک خدا یسکا بندگیان خود را پیرا خواند هر که در تو

کار اختیار میکنند خاک گفت من به همه چه باشم

کو نیز بای نی عالم و حاکم من چه اختیار میکنم که خاک

و بخار عالم پس در این خاک را و در آن کرکشت

است که در اول و آخر اختیار کردم و هر چند  
که خدا بخواهد آنچه کرد و بعد از آن نرسید  
حضرت رب العالمین عرض کرد که باریب انترت تو  
میدانی که من خاک را اول و آخر اختیار کردم پسر  
فرمود و صلی الله علیه و سلم که چون آدم بی غیر صلوات  
الله علیه و آله و سلم و آتشش و باز و خاک است  
و هم جهان هر چهار را خمیر کردند از آن خمیر آدم علیه  
السلام را با فرید و فرزند کن آدم صلوات الله  
و علیهم و چهار طبع حاکی میباشند بعضی آبی بعضی آبی

بعضی حکام بعضی اشیاء میں طبی شفا سے ناواقف

و انچه يك نميد بود هي از شگر انچه يك نميد بود

اند جو انمرو و احسنه ایفتمندہ و شیکھی رمیا مندرہ اند

سکون شکیبائی شکر و محبت اند و لیکن بی پروا و بی بند

و اما نگارنده ای اندک سبب و دلیلی را در باب توضیح

وہ کہتے ہیں یا جانے پوچھیں وہی کہتے ہیں فقیر و صابر

و قانع اندیشه منم از این عالم و سلم فریب و هر دقیقه

آؤنیش نوریس جو دلکا ہمارو خدا ایسا ہوتا

نوریت و دوم ثواب انجیل و سوم ثواب زبور

وہاں سے لے کر وہاں تک

اول ثواب ہر نیکی دوم ثواب منیگا میں سیدہ ام

بسم الله الرحمن الرحيم

محرم در تمام احوال او بنویسند و در باب هفتاد و چهار

شہیدانِ مایہ جو گنہگار دستِ کارِ ان گشتہ

ہرگز اس نور و مہر بخیر و برکت خود بخود پیدا

از دنیا نرو و ما حاجتی خود و در بهشت نه میزد و در بهر

بروایتی صحیح است که این صفت را نیز میسر بود.

نامہ درویشی حضرت علیؓ و سید محمدؐ کی درویشی

محمد سلطان محمد غزنوی رحمة الله علیه

و کرامت این صفت آفرینست بوزن صلی الله علیه

و سلم ز امام احمد و یاران زلی الخانی امام محمد علی

رحمة الله علیه صفت است و نه بد نمودن نسخه

نیش او معتبر بود تا که در کتابخانه او این صفت

آفرینش را نور محمد را یافتیم به مطالع میکرد و خوش

حال شد و نیت که این نسخه را سلطان محمد

غزنوی برسانم پس این بدست یک درویش

فرستاد ازین معنی سلطان محمود را خبر رسید

مگوید که در راه با استقبال آمدند که در آن

روز خلق بسیار حاضر بود که این سخن را بدیدند

شنیدند و خوشحال شدند چون سلطان محمود

این سخن را بدیدست او را شکرانه کرد و در پیش

راه برد و کعبه روی زمین بوی دانهید و دیگر از برای

دعوات عزرا بود ز نه از کوه سفید و باغچه داده

کاوه و دویست شتر برای کرد و علیا و مشایخ و فضیله

جمع کردند هر یکی را دعوات و خلعت های فاخره

دادند و این صفت آفرینش نور محمد مصطفی صلی الله

علیه وسلم در راهی پیشرو ولایت آمد و آن کرد

هم در آن شب رسول علیه سلام را در خواب

دیدند و بفرمودای سلطان جهان که حضرت

نورین دیده شد و شادی تو بهشت را خورشیدی

و بجای تو در قلعه است برکت سعادت فرستیدی

من ترا خدی بخوانم هر که بنشیند با خود دارد این

کتاب آن بنده را هر شب آن بنده کائنات می خواند

در شان این فرموده است الا ان اولیاء

الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون



در حدیث این بندگان در آید شنی که حق تعالی

در میان ایشان فرموده است. انما یتیموا

عسکه و از رسول الله السلام ضر است هر که

آفرینش نوزدین بخزند که خواندن نداند نشود

و اگر نشود دل نخواند با خود دارد با صدق دل

و اعتقاد درست خدا یگان این بند و را خدا

نواب بخشد که با که همه مومنان و زمان مومنان

برج مسکن بوده باشد یعنی در روی زمین و کوه

آسمان این به صدق دل باشد تو که در شهر

سوره انشوری در حق تعالی نازل شد و در آن

آیه در کتاب فرمود که یا محمد هر که آخر شبش توبه

باشد آن پند را سلوات و رحمت خود فرست

و جنت آن ثواب دهم اگر کسی هفتاد و چهار سال

برسته شب در روز در دعا کند ایستاده باشد

و هر روز روز دوازده بار گفته باشد و یا کافران حب

کردن باشد و یا کافران و یا کافران و یا کافران

و دشمنان بروی کار کنند و هر که با خود در روز

میان هفت و اوج عجب نماند یا محمد هر که

آفرینش تو بخواند و در این ساعت با غسل بوی

باشد مصلحت و هزار نوشته به نیت ما از برای

بنده استغفار کند و گناهان آن بیده را از من

آفرینش خواهند و دعای ایشان در حق آن بیده

اجابت کنیم یا محمد هر که صفت آفرینش تو گوید

و یا بر خود نکند و در آن بیده را در بهشت تقاریر

در بی حساب روزی کردیم و هر قدر که بخواهد

در بیت قبه باشد که حساب او را حجت باشد

داند و از هر کی در این قبه باشد از آن بود که

باش که حق ندی و اندر دیگر از حق ندی و اندر حق ندی

و حال عدل است در زمان باستان بهر کس عدل است

آزاد نیست این روزگار حق ندی سیف از دست کف

و ندیم بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او خاک

کنم باز در خاک بجا که کنم و بعضی را از باد آفریده ام

و طبع او باد کنم باز در باد بجا که کنم و بعضی را از

خاک آفریده ام و طبع او آب کنم باز در آب بجا که

کنم و بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او آتش کنم

و باز در آتش بجا که کنم و دیگر حق ندی سیف از دست کف

محمد را در کمال خود آفریدم و سر محمد را در برکت خود

آفریدم و جسم محمد را از عینا آفریدم و دینی محمد را

از غیر حقیقت آفریدم و ام و کوشش محمد را از غیره

آفریدم و لب محمد را از شبنم آفریدم و دهن

محمد را از نور محمد آفریدم و دلی محمد را از اخلاص آفریدم

و بازوهای محمد را از قوت خود آفریدم و وطن محمد را

از تشبیه آفریدم و کعبه محمد را از ثبوت بنده

آفریدم و درودهای محمد را از صبر آفریدم و ام و استخوان

محمد را از نور بنده آفریدم و قدم محمد را از عینا

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

نورانی که در این عالم است نورش را در این عالم

و این بندگان را بر پیشانی خود خواهند و حق تعالی توانست

پیغمبران روزی کند ثواب ذکر یا پیغمبر و پیغمبر

و عیسی پیغمبر و ابراهیم پیغمبر و اسماعیل پیغمبر و اسحاق

پیغمبر و یعقوب پیغمبر و موسی پیغمبر و هارون پیغمبر و یونس

پیغمبر علیه السلام و جمله سید صدر و سید زده غیر از صلوات

را ثواب روزی کردند و ده پیغمبر در چند پیام او

و زبانت بنا کرد انعم و آن بنده را ثواب صد بار

و مهاجران و انصار باین روزی کردند و چون

آن بنده و از کور خیر و محبت بآن بنده روح و جان

و حضرت علی فرموده ایم اگر چه که دانا به خود  
یک پیمان و برکت در قضا و عیسی جانوری است  
همه از این بیدارم و کلام و چشمهای آن بیده  
در وقت نوح و در وقت آمدن مکه انوار و  
نمودیم یا نعم هر که این صفت آفرینش بخواند  
خانه نکند و در دوران و زوایدی خواند و آن  
خانه را آتش گیرد و برکت در آن خانه بسیار باشد  
این آفرینش بخواند و در وقت و خاصیت بسیار  
اما خوانده شده که بخواند و بخواند و بخواند



آنکه در این راه است و بر است این نور که حضرت محمد

مصطفی صلی الله علیه و سلم من عالمی به با جمیع امت

محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم در برده و صلاح یافته

از دبدار پاک منور و شفاعت محمد مصطفی در راه

با نصیب گردانی و مرزبانان شفاعت حضرت

پناهی عالمه الزهراء زنی بی حد بحکم کبر نصیب گردانی

و انچه پناهی که تا کون کند اری و عاقبت ما را با

جمیع مسلمانان چه گردانی باشد و کرمه هست تمام شده

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الذين هم خيرة  
الخلق في كل زمان  
والمقامات خيرة  
المقامات في كل زمان  
والصالحين في كل زمان  
والعالمين في كل زمان

والسلام على  
سيدنا محمد وآله  
الطيبين الطاهرين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

Handwritten text, likely a signature or name, appearing as "J. B. Smith" or similar, written vertically.

Handwritten text in Arabic script, appearing to be a list or a series of entries. The text is heavily obscured by a large, dark, rectangular block in the center, which appears to be a redaction or a heavily inked area. The visible text is arranged in several lines, with some words being difficult to decipher due to the high contrast and noise in the image.

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَلَّمَ اللَّهُ الْحَمْدَ لِي وَوَدَّ

رَحْمَتِي لَا يَكُونُ أَبَدًا يَكُونُ

رَأْدُ الْعِلَالِ وَالْأَكْثَرُ سَبْدُ

الْحَبِيرِ وَمَوْعِدِي مَكْشُوفِي

قَدِيرِ اللَّهُمَّ مَنْ عَلَى عَرْشِي وَعَلَى

أَلْهَمِي وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

درگاهانی بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا بود

و در چار بودی آن گاه را در نوبت ازین اربابا و می ازین گاه

نشدی و در نوبت ازین گاه را در نوبت ازین گاه

از سد تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ

نشدی و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ

آن که در تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ

طیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ

طیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ و تیغ



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

وبعد فقد حضر هذا الاجتماع

بمقراتنا العامة في شهر رمضان المبارك

بمقراتنا العامة في شهر رمضان المبارك

بمقراتنا العامة في شهر رمضان المبارك

بمقراتنا العامة في شهر رمضان المبارك

بمقراتنا العامة في شهر رمضان المبارك

بمقراتنا العامة في شهر رمضان المبارك

بمقراتنا العامة في شهر رمضان المبارك

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

وهدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله رب العالمين

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

(24)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدانا اللَّهُ

24

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدانا اللَّهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدانا اللَّهُ

الحمد لله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدانا اللَّهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدانا اللَّهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدانا اللَّهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

الحمد لله الذي جعلنا من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

والمؤمنين من خلقه

[illegible]

[illegible]

سید ابوالفتح محمد علی

4. در میان اینها

لِلَّهِ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْحَقِّيقِينَ

لِلَّهِ عَلَى الْوُفَّاتِ وَالْحَقِّيقِينَ

الَّذِينَ عَلَيْهِمْ صَلَواتُكَ يَا اللَّهُ

وَالسَّلَامُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

لِيَسْمَعَ وَأَعْلَمَ وَأَشْفَقَ وَرَحِيمٌ

عَلَى خَلْقِهِ الْبَرِّ وَالْبَرِّ وَالْبَرِّ

الَّذِينَ عَلَيْهِمْ صَلَواتُكَ يَا اللَّهُ

لِيَسْمَعَ وَأَعْلَمَ وَأَشْفَقَ وَرَحِيمٌ



بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله

والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

خير من يومه خير من يومه وخير من يومه

ما عسى ونحو ذلك من

قوله ومن شر ما بعثه وتقول

من الناس وعنه انفس الازليّة و

حوله لا يترك له اية ايات ولا احوال

ومنه ومنه ومنه ومنه ومنه

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله

[illegible]

الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دلالة على قدرته وجلاله  
وآياته وبرهانه وقدرته  
وآياته وبرهانه وقدرته

بما لا يحيط به العقل ولا يحيط به  
الحواس ولا يحيط به البصر  
والله اعلم بالصواب

مع القرب والاعتدال  
على صراط مستقيم  
حيثما شاء الله

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دروسا لمن يتفكر في خلقه  
وآياته العظمى  
فمن أراد أن يعرف  
الحق في دينه  
وأن يتقرب إلى الله  
بالحق  
فليست له حيلة  
إلا أن يتفكر في خلقه  
وآياته العظمى  
فمن أراد أن يعرف  
الحق في دينه  
وأن يتقرب إلى الله  
بالحق  
فليست له حيلة  
إلا أن يتفكر في خلقه  
وآياته العظمى

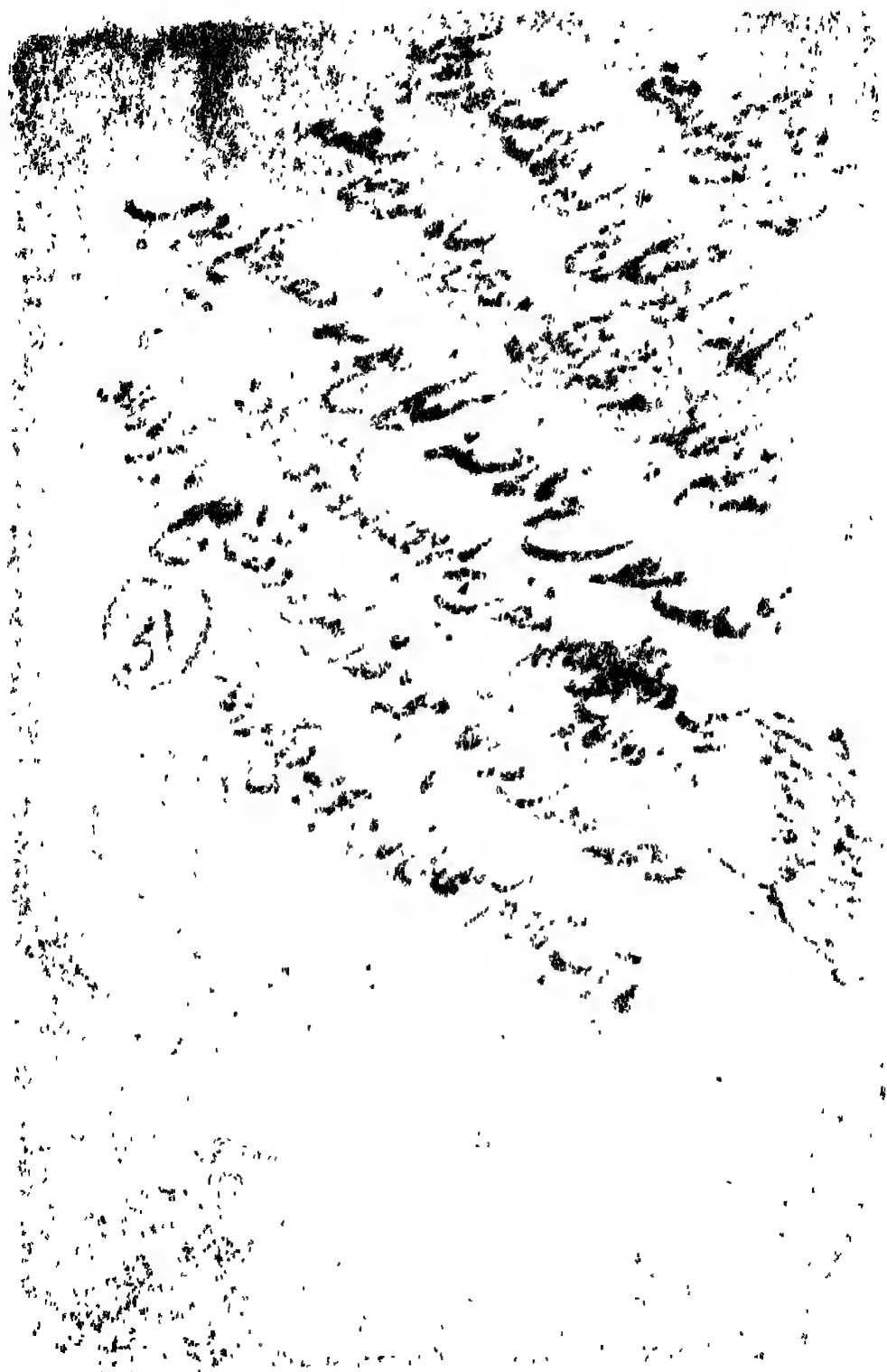
[illegible]



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]







او در کار خود میفکند. حسن او کن و نانی این یکی نوی

نوی و نانی که این است و بیرون روی و ظاهر آن طلب

نفسی و ظاهر آن که در کتب العاصی و در سفره نورانی

آنکه در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات و در کتب و تالیفات

رحیم بر تاج کاروان دای حلیم بر ستمکاران دای قوی که کشد  
توبه عاصیان دای باز بر نه خد است تا دمان دای چهارده هزار  
بچاکان دای عذر بر پست بهان ملک اگر بر کسی جانی  
ندارم عریضه باین از کتبت العاصی و اما مقصد تو  
بر خواهم و اگر بسخی رضا عنی دارم طغی از لاف غلوا من  
رحمه در زبان رانم و اگر بگوئی طاعتی نیارم تو قیوم  
خلق الانسان ضعیفا فرما بر دارم آنها از بد کنایه هان  
و از هیچ بد بها از گفتنی و کردنی و دیدنی و شنیدنی و گفتنی  
و رفتنی و بودنی و خوردنی و آتش بسند و نه شمشیر بیانی  
را اندر بدی باز آدم توبه کردم با نواب انوار

در اینجا از انوب ایک با هزار و یک بار

انوب ایک باقی انوب ایک تا قیامت و انوب

کرمای دریا را نکست کرمای نه است از انوب و ایمان و انوب

انوبی ملوت نشود و بحر غفرت تو بود غایت کنایه

و پسینا نه پیام ز کام نه بر تو به من پذیرد مرا شود

گفته را و کردار آئینه و انوبار به من پذیرد و انوبار

گرفت انوبی با کس ایمان را انوبی ترکید است با انوب

در هر بار از انوب ایم بر خاک است بعدین از انوب ایم بنوار

انوبی من نیکویم چون بر دست ای نوار انوب

انوبی من سکه بار و صبا نوار در هر خرد و انوب

[illegible]

فرمانی از فوق و چشم بران با خلق و وقت چایر سبک است

و کلام خود بپایان فرستد و همان مصطفی اللهی شایسته و برادر است

در این کتب که سبک است از اندوهی بپای چایر و در این کتب

رسمی و بر سر او که با کسر چایر و به پسر و پسران

چهار و یا چهار می باشد و در این مصطفی اللهی شایسته و برادر است

و بر این کتب که سبک است از اندوهی بپای چایر و در این کتب

رسمی و بر سر او که با کسر چایر و به پسر و پسران

چهار و یا چهار می باشد و در این مصطفی اللهی شایسته و برادر است

و بر این کتب که سبک است از اندوهی بپای چایر و در این کتب

رسمی و بر سر او که با کسر چایر و به پسر و پسران

چهار و یا چهار می باشد و در این مصطفی اللهی شایسته و برادر است

دوستان بیکدیگر این میارند و در کوهانه یکدیگر برند و در جوی رنگ  
و زین فرو دارند از نظر خویشانی پیشینند از جنبش بیانی بد کنند  
دوستان بر باخاک این از اندازان از بار و تابید و بار آنها کنند  
رخ بیکدیگر این آورند در این هنگام دوست و انجمن از مقام دوست  
تا سطح کانی برسد و نه دوستی ندی دهد و نه کند و می فرماید  
و نه مجسمی ملاقات کند - یاری انجمن محرم کدام وی بی روی  
نه و در این صحن مشتی از حال حسن برسد که بکار روز که چون  
بکند بکار و روی منجمد که در وی بی روی و بی روی که ای بی  
در مانند خان ای فریاد کوسر جان ای یار تنهایی که در دلم نه تنهایی  
در این هنگام شکستنج و تن تنج عار نه بی تنی و این مقام گنج و  
نار یکی سبزه شود و در غمی بنظر کن فریاد و در مانند لشکر  
رحمت پیش من جان ما که در این و حال عار نه تنهایی و بی تنی که در



سرور خان بہادر صاحب دارالافتاء فرمایا: واللہ میں نے اس کو درجہ

دکتر قزوینی و همکاران

بسم الله الرحمن الرحيم

الحکم کدوری با کرم لافریس - رضا یون - ج ۱

سپایا و خنقی جانم از خود جدا کرد و برانری نامہ اعمان کجساری

موسسه تحقیقات گیاهی و باغبانی وزارت جهاد کشاورزی

و نسوزی و نوشتن ابد فارسی و عالی پنداری از شرف عظمت

بابت وجہیہ گاہ نیز ان کے محرم کمرانہ و دواخترہ و غیرہ

نقد و بررسی: شادمانی و حسرت با هم آمیخته است و میان خلق باطنی

والجواب في صفحت ثلثي ودر بیان یکی از نکات بسیار مکرر آن جمیع

مجموعه از قولهای مردمی در این گونه و شیرین

خبر سوم سیاه روی در دهان بجا و دم روی لبها چسبیده

منعم چون گلشنی غام در دهر و سفره فیاضت کبریا  
نور آن در میان گلزاره فلسفیه تراغوا کرد آن حفا چون سما  
بقدر رسید و جانان به است پیوندی شتایی معشوق  
وصول یافت و در سرازیر اجلیان با نسک کرد آن در جوانی  
نعمت های ایات آن نازیزه روزی کنان و نثر ب ظهور حلقه  
چکان و در بیخ جانان که رضی الله عنهم و خواصه و شانی  
این است جمع کردن و نثر و میل بچنان و دهنای محاسبات  
و نعت و بزرگ که همه نعت است نعت که دان و از نعت نعت  
و با شوق و ذوق ثابت و قائم و مستقیم و از حجت و از ادب  
با دستان و نغمه جان مبری ملک آن کوی که در انوار  
با در علم الراجحی است با در علم الراجحی و بشنا و بشنا  
و بشنا

و متذکره که در این مجلس و در این طایفه از اهل بیت  
 و در این مجلس و در این طایفه از اهل بیت  
 که در این مجلس و در این طایفه از اهل بیت  
 و در این مجلس و در این طایفه از اهل بیت

بسم الله الرحمن الرحيم  
برای دفع بواله بر روز دوشنبه است نماز اول و دوم  
بعد فاتحه الم شرح در دوم الم تر که ضحاک و ابلیس  
مضار را بگوید استغفر الله من کل ذنب عباد الله  
توبه و بی انکار گذشت باز قضا می شود  
از حضرت که آمد و هر که میفرمود پیغمبر علیه السلام  
ستفینا ایا هم بر که این کفر از گذشت توبه و  
اولی و اصحابی نمی نمودند که با رسول الله و اولادش  
قد برین پیغمبر چندی در رفتن جهالت راست است  
پیغمبر فرمودند ای الله علیه و سلم که گذشت نماز  
و بعد از آن روز باید که روز جمعه پیش

خوار است. چه در هم لایزال و نیستی

که برین عالم او صلی الله تعالی علیه  
و آله و اهل بیت منجی جمیع عالم

شکوته افضل شود الی الله بعد از کبریا

بعد فائده یافت باز آید الکریم و پانز بار

آنا و اینها خوانند و بعد سدهم عدد بار و در

عالم فرستادند بسیار این دعا و قرأت

و این دعا یا سابق الفوق و یا سامع الله صوت

یا شفی یا علی یا ابا طالب یا ابا عبد الله

یا ابا محمد یا ابا جعفر یا ابا طالب یا ابا عبد الله

وَأَمَّا تَعْلَمُ وَأَعْلَمُ وَأَنْتَ رَبُّنَا رَبُّنَا  
وَأَنْتَ عَلَّمَ مَنِ الْيَتِيمَ بِالْكِتَابِ بِمَا كَرَّمَ  
وَأَعَاذَ الْيَتِيمَ بِالسُّبْحِ وَقَدْ كَرَّمَ الْمَرْبُوتَ  
وَالرَّحْمَنُ رَبُّنَا نَعْفُو وَنَحْمُ وَنُحْمُ وَنَحْمُ  
عَلِيمٌ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ يَا عَسَاوِي  
يَا سَائِلَ الْيَتِيمِ بِالْعَفَاةِ يَا سَائِلَ  
تَحْلِيلِ دَلَالِي مَوْلَى اللَّهِ عَلَى حَقِّهِ  
مُعْتَبِرٌ وَأَلَا أَجْمَعِينَ

(38)

بسم الله الرحمن الرحيم

استغفر الله العظيم الذي لا يغفر العاصين

يا ارحم الراحمين يا ذا الجلال والإكرام

يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

[illegible]



مجلس ۱۰۰

بر آن کسی که گمان باشد آن پسر فریاد آمد و نور و غوغا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَقَدْ نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ  
وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَذْكُرُ الظَّالِمِينَ

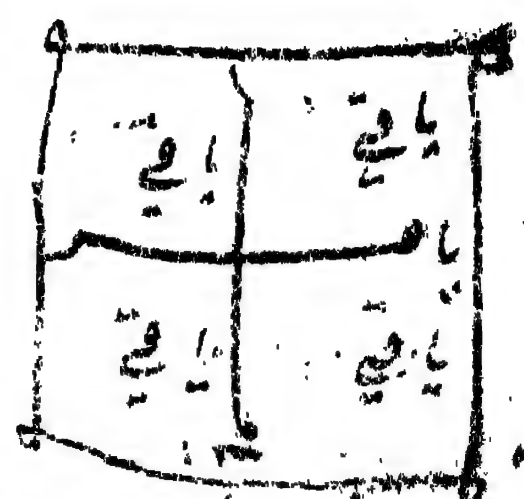
وَرَحْمَةً لِّلْمُتَّقِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَتِلْكَ أَلْفُ مِائَةٍ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ كِفْلًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خضر احماد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این برای دروید و کزنده یک فرستاده عورتی است که هر روز در  
زخمه می پرسی که باشد اینست و نیمه و جوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

*(Faint, illegible handwritten notes)*

مجلس شورای اسلامی

برای اطلاع و اقدام

کتابخانه و موزه سینه

40

Handwritten signature: *Wm. L. G. ...*

کتابخانه عمومی

مجلس شورای اسلامی  
جمهوری اسلامی ایران

100

1000

جوزہ درجہ اولیٰ

1990

1990

*[The page contains dense handwritten Persian script, likely from a historical document or manuscript. The text is written in a cursive style and covers most of the page area.]*

(4)

Handwritten text in Persian script, appearing to be a list or a series of entries. The text is written in a cursive style and is somewhat faded and obscured by noise. The entries are arranged in a roughly vertical column, with some lines being more prominent than others. The text is written in a dark ink on a light background, but the overall quality is poor, making it difficult to read. The entries appear to be numbered or organized in some way, but the specific details are not clear. The text is written in a style that is common in Persian manuscripts, but the handwriting is somewhat informal and the ink is not very dark. The overall impression is that of a handwritten document that has been scanned or photographed with a lot of noise and distortion.

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله الذي جعل في  
الخلق منافع كثيرة  
وعلمهم ما ينفعهم  
وهداهم للسبيل المستقيم  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله الذي جعل في  
الخلق منافع كثيرة  
وعلمهم ما ينفعهم  
وهداهم للسبيل المستقيم  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
سراجا موقدا يضيء لنا سبل الهدى  
والتقوى ويهدينا إلى صراط مستقيم  
يسر به علينا ما نريد ونحرم به علينا  
ما نتناهى عنه وما كنا لنهتدي لولا أن  
هدانا الله والحمد لله رب العالمين

والله اعلم بالصواب

[illegible]



در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

CC-500

74E27

و در این مقام از دیوان اعم از تنگی که در این مقام باشد

در این مقام این دعا در هر روز و هر وقت که در هر وقت

و هر روز کاری که از او گذرد و هر روز که در هر روز

یا در هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

و هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

و هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

و هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

و هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

و هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

و هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

و هر روز که از او گذرد و هر روز که در هر روز

وَحَالِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ سُبْحَانَكَ

لِيَا وَدَّ وَانْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ يَا مَنْ

عَدَدُ خَلْقِكَ وَعَفْوِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خَلَقْنَا مِنْ خَلْقِنَا أَوْ خَلَقْنَا مِنْ خَلْقِنَا

طِينٍ لَوْنٍ بِأَمْرِكَ الْحَبِيبُ يَا أَرْحَمَ

إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفِقُوا مِنْ مَتْنِ

وَالسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي الْفَقْرِ وَالْاِسْتِغْنَاءِ

وَالْاِسْتِغْنَاءِ وَالْاِسْلَاطَانِ قَبْلَ الْاِسْلَامِ

يَا كَلْبَ بَابٍ وَصَلَى رَبِّهِ عَلَى خَلْقِهِ خَاتَمُهُ

لَا حَوْلَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای دعا در باطن داند یا هر روز بخواند خدا سزا

چهارده و یک اند بهشت را دست کند و زیاده

روح بنمایر و همه علیه السلام از خواندن دعا

مؤمنان و کسی بر منافقان ایستاد و دعا

ایست بسم الله الرحمن الرحیم

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَهُ الْفَاوِاقِدُ أَحَدٌ صَدَقَ اللَّهُ

بِحُجَّتِ صَاحِبَةِ الْوَلَدِ بَعْدَ سَمْعِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَفْسِي وَرَبِّي عِزِّهِمْ اسْتَغْنَى عَنِ الْفَقْرِ  
مَا لَا يَزِيدُ فِي عِزِّهِمْ شَيْءٌ مِمَّا اسْتَغْنَى عَنْهُ  
اللَّهُ الْغَنِيُّ لَا مِثْلَ لَدُنَّ الْغَنِيِّ  
أَكْبَرُ أَكْبَرُ عَزَّ وَجَلَّ عَمَّا خَافَ  
وَحَذَرَ اللَّهُ مَا فِي أَسْوَ ذِكِّ مَنَ شَرِّ  
مَحْذُورٍ عَنِ مَنَ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ عَظِيمٍ  
وَمَنْ كُلِّ حَبَّارٍ عَنِيدٍ فَإِنْ لَوْ قُلَّ  
حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ  
تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ خَيْرَ خَلْقٍ مَخْلُوقٍ

بَعَثَ فِي سَمْعِ لَدَا صِرَاطِ عِلْمِ

بِمَا لَمْ يَدْعُ وَرَبِّهِ بَارِئٌ بِأَمْرِهِ

تَقْدِيرِ رَأْدِ سَبَابِ حَقِّ قَوْلِ نَارِ زَوْهْ سَالِبِ

عَمْدِ رَأْدِ رُبِّهِمْ اللَّهُ إِلَى خَيْرِ أَلْفِ عَشِيرِ

أَسْعَايِمَ أَذَقَ يَا لَسْذَلِيَّةَ بَقِيَّةِ

الْمَعْلَى وَهُوَ قَائِمٌ أَذَلِّي بِالْأَذَلِيَّةِ

تَمَنَّى نَزَلَ وَلَا نَزَلَ خَيْرٌ يَا أَلِي

خَيْرٌ خَيْرٌ لَسْمِ لَدَا صِرَاطِ عِلْمِ

بِمَا لَمْ يَدْعُ وَرَبِّهِ بَارِئٌ بِأَمْرِهِ

تَقْدِيرِ رَأْدِ سَبَابِ حَقِّ قَوْلِ نَارِ زَوْهْ سَالِبِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(١٠٩)

الْمُطَهَّرَةِ الْمُصَفَّوَةِ وَالْمُتَّعِ

وَالْمُتَّعِ مَا الْقَاطِطَةُ وَالْمُتَّعِ

يَا حَافِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

کار آمدینی و شوقی را برادر است در دهر کار آمدی

نمازهای جمع و صبح اولیای از در گذر و گمان برسد

بجای نماند از صبح تا شب است لبم از در و صبح

اللهم انک هستی بنا و احسن منکم

ولی کون بنا و احسن بنا و احسن بنا

عزاد و بنا و اکسایه عانتك ادع

نسوة انت ایما نهدت بر حیات

یا ارحم الراحمین

بسم الله الرحمن الرحيم

استاد فتح نامه حضرت امیر المومنین علی  
کرم الله وجهه منکره را از دست ایشان برده  
نویسند با خوف نگاه دارند و بایر و بخواند هر که  
این باز شد بخواند و یاد از نگاه انداختن  
او در روز آمان دارد و از دست او قطع زلفت  
باید بدو چشم هر که بنگذارد هرگز آن بشود  
و در نظر امر از حدی که دست و چنان معلوم  
در روز و در نیم از روز و کوشش و در چشم دور  
ایلام خدا بفرماید و در آمان دارد و در چشم از خط

والتسليم لله وحده  
والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

الحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
والحمد لله الذي هدانا لهذا

سَفْ تَكُنْ تَمِمْ وَالْمَسَاطِعُ عَلَيَّامِينَ

لَا يَسْخَرُ مِنْكَ دَاخِلِي الْمَخَالِكُ وَكَافِي

الْمُهْمَا يَا مُبْدِي الدَّعَوَاتِ وَبَا

عَالِمِ الْعَسْرِ وَالْزُفُفَاتِ وَصَلَّى

اللَّهُ عَلَى خَلْقِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَصْلِهِ بِرَحْمَةِ الْإِلَهِ الْعَلِيِّ

سَمِيعِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ

الْأَمْتِ يَا رَبِّ عَلَيْنَا وَأَرْفَعِ

عَنَّا كُلَّ شَيْءٍ يَأْرَؤُوكَ يَا رَبِّ

يَا رَبِّ رَحِمَ رَبِّيكَ وَنَسِجَ كَلْبِكَ

وَأَنْفِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَاللَّهُ يَتَعَفَّى عَنْ  
فِي الْقُبُورِ وَسَامِعًا لَنَا  
كَتَابًا كَثِيرًا بِخَيْرٍ  
بِالْحَمْدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ARCHIVAL CELL

Zakir Husain Library  
11-11, New Delhi-110025.

MANUSCRIPT

کتابخانه عمومی مسجد اعظم  
کتابخانه عمومی مسجد اعظم

الحمد لله رب العالمين

۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳
-----	-----	-----	-----

احمد بن محمد المصطفى

1000

— 1914 —



